

**آئین تکریم و معارفه
معاون وزیر
و رئیس سازمان پژوهش
و برنامه ریزی آموزشی**

۲۲ دی ماه ۱۳۹۷ ■



آقای دکتر تورانی:



سلام علیکم و رحمتا... بسم الله الرحمن الرحيم
ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن وُدًّا.

سلام و درود دارم به روان پاک شهدای اسلام از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی، شهدای ۸ سال دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم. درود و سلام دارم به روح بلند مطهر و ملکوتی حضرت امام عزیز و آرزوی سلامتی و تندرستی و موفقیت برای رهبر معظم و معزز انقلاب اسلامی. امیدواریم که همه ما هم در کلام و اخلاق و هم در ایمان و عمل پیرو این عزیزان باشیم که خدایی ناکرده شرمندۀ این بزرگواران نشویم. میلاد حضرت زینب کبری سلام الله علیها را تبریک عرض می‌کنم. به درستی که اگر زینب نبود کربلا در همان محوطه کربلا باقی می‌ماند. من تلاش می‌کنم این است که خیلی کوتاه و کمتر از ده دقیقه عرضم را داشته باشم؛ ضمن اینکه من هم به نوبۀ خود خیر مقدم عرض می‌کنم حضور عزیزان جناب آقایان وزیر، دکتر ذوعلم، دکتر رشاد، نعمت‌اللهی، مرادی، محمدزاده و باقی عزیزان. من برای رضای خدا، ادای دین به انقلاب اسلامی و شهدای عزیز، امام و رهبری معظم انقلاب و خدمت به نونهالان میهن اسلامی در سرتاسر



کشور، به مثابه سرباز انقلاب وارد میدان جهاد علمی و پژوهشی و به ویژه پذیرش این مسئولیت خطیر شدم و آنچه در توانم بود را تا حداکثر ظرفیت وجودی‌ام در طبق اخلاص گذاشتم. نه برای آمدنم کاری کردم و نه برای ماندنم. همه کارها و تصمیمات من صریح و شفاف است و نیازی نیست در این رابطه وقت شما عزیزان را بگیرم. پنج‌شنبه و جمعه گذشته خیلی فکر کردم تا امروز که اینجا آمدم چه بگویم و چه نگویم، از کجا بگویم تا کجا بگویم، ولی فقط این جمله مدیریتی از مدیریت اثربخش به ذهنم آمد که خود من هم به آن اعتقاد دارم: «بعضی وقت‌ها حرف نزن و سکوت کن تا بهتر و بیشتر شنیده شوی»، لذا بیشتر از این مصدع اوقات نمی‌شوم الا تشکر از دوستان عزیزم، همکاران خوب خودم، چه آنهایی که حاضرند، چه آنهایی که امروز غایب هستند و چه آنهایی که بازنشسته شدند. من از



همگی شما دلخور هستم. برای اینکه در طول این ده ماه، یک استرس به من وارد نکردید، یک حرف تلخ به من نزدیک و خدا را شاهد می‌گیرم یک شب نبود که من حتی به خاطر یک حرف تلخ کوچک از شما خواب خوب نداشته باشم. تا امروز واقعاً جز خوبی و محبت از شما چیزی ندیدم. همیشه به من کمک کردید، تلاش کردید که این سازمان بتواند حتی بهتر از گذشته کار خودش را دنبال کند. در بحث تألیف کتاب اول مهر که همیشه آذر ماه شروع می‌شد امسال که من آمده بودم و این تکلیف کلید خورد، آقایان می‌گفتند: تورانی بعید است که کتاب‌ها به اول مهر برسد ولی خوشبختانه در زمان تعیین شده و تا اول مهر انجام شد. فقط از شما عزیزان می‌خواهم که بنده را حلال کنید و اگر جایی کوتاهی از من بود و یا خدای ناکرده حرف نامربوطی زدم، من را ببخشید. آرزوی توفیق می‌کنم برای برادر عزیزم جناب آقای ذوعلم و این شعر حافظ را تقدیم می‌کنم به همه شما عزیزان:

**سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آید
که بیش از چند روزی نیست حکم میر نوروزی**

خدایا ما را آن ده که آن به
والسلام علیکم ورحمت ا...



حجت الاسلام و المسلمین دکتر ذوعلم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الصلوة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد صلى الله عليه وآله الطاهرين. يا ايها الذين آمنوا استجبوا... وللرسول اذا دعاكم
يحييكم واعلموا ان... يحول بين المرء وقلبه.

با سلام و احترام خدمت برادران و خواهران گرانقدر و تبریک بمناسبت میلاد با سعادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، در این دوران ما بایستی زینب گونه عمل کنیم. آن پیام عقلانیت، مجاهدت، معرفت و همه چیز که امروز در میان کشورهای جهان، جامعه و انقلاب ما مدعی و پیشتانز آن است را، باید بتوانیم درسازمان بیش از گذشته و براساس تلاش‌هایی که دوستان در گذشته انجام دادند پیش ببریم. باید سنگینی این رسالت را بر دوستان احساس کنیم. من از برادرم جناب آقای دکتر تورانی بسیار تشکر می‌کنم که ایشان دوره فترت را به خوبی مدیریت کردند و تلاش‌های ارزنده‌ای داشتند. به همین جهت اگر ان شاء الله موافقت نماید به عنوان مشاور و دستیار ویژه در خدمتشان هستیم. آقای دکتر مرادی می‌گفتند جلسه‌ای بود که آقای دکتر تورانی همیشه می‌آمدند، من گفتم که از این به بعد هم



ایشان تشریف می‌آورند و همان بحث‌ها را دنبال خواهند کرد و ما خدمتشان هستیم. جناب آقای محمدیان هم یک دوره ده‌ساله در اینجا تلاش داشتند. جناب آقای بطحایی بیش از بقیه می‌دانند که در چه دوره سخت و پرفشاری ایشان توانست کتاب‌های درسی را در جهت همسویی با برنامه درس ملی به کمک مدیران و شما همکاران عزیز تغییر دهد. ما افتخار می‌کنیم در جایگاه مشاور عالی سازمان با ما ادامه همکاری دهند. من با تمامی رؤسای سازمان از زمان تشکیل آن یعنی آقایان: دکتر رجبی، دکتر حدادعادل، دکتر عالمی، مرحوم علاقمندان، دکتر نوید و دکتر محمدیان به غیر از مرحوم شهید موسوی به نوعی آشنایی و ارتباط داشتم و حتی با دکتر عالمی و دکتر نوید، هم دانشگاهی بودیم.

ما در اینجا یک گروه از وظایف ذاتی سازمان را داریم که شما بیشتر از من مطلعید و باید به آن بپردازیم و در این راستا گاهی باید تدابیری که دوستان قبلی داشتند را تکمیل کنیم و گاهی باید آنها را اصلاح کنیم. یک بحث دیگر



مربوط به شأنیت سازمان در دستگاه تعلیم و تربیت است که این مسئله باید برای ما حیاتی باشد تا جایی که حتی وقتی هفته قبل به مناسبت همین انتصاب خدمت آقای رئیس جمهور بودم ایشان روی این مطلب تأکید داشت که خروجی ما در سازمان یعنی آنچه که ما به دانش‌آموزان می‌دهیم به چه میزان با نیازها و خلأهایی که نسل نوجوان و جوان ما دارند تطابق دارد؟ و این باید دغدغه اصلی در تولید محصولات دستگاه تعلیم و تربیت که ما عمده‌تاً در این سازمان متولی، مسئول و پاسخگوی آن هستیم، باشد. ما امروز اسناد تحولی غنی داریم که خوشبختانه پیش‌روی ما هستند. امروز وزارت آموزش و پرورش ما نسبت به ده و حتی پنج سال قبل بسیار رشد کرده است زیرا حداقل نظریه تعلیم و تربیتش مشخص است و یک اجماع علمی بر روی این نظریه یعنی همان سند تحول بنیادین وجود دارد و این فرصت بسیار ارزشمندی است. اگرچه هنوز بین نظریه و ارائه الگو و مدل سازی فاصله و شکاف‌های بسیاری وجود دارد، ولی خوشبختانه با نیروی انسانی متخصص و توانمندی‌هایی که در این سازمان وجود دارد و با همدلی، هم‌افزایی و از میان برداشتن بعضی از دیوارهایی که بی‌جهت به دور برخی از بخش‌های سازمان کشیده شده و نیز با ایجاد فرهنگ‌سازی بهینه‌تر در فضای سازمان، می‌توانیم در جهت حصول هر چه بیشتر اهداف عالی و مطلوب سازمان و تولید محصولات خروجی کارآمد، گام‌های مؤثر و تعیین‌کننده‌ای برداریم. گام بعدی ما بعد از این دو دستاورد به تلقی بنده این است که امروز چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد،

انقلاب اسلامی که نه فقط به عنوان واقعه‌ای که گذشت و در تاریخ ثبت شد بلکه به عنوان یک گفتمان و مکتب مدعی تمدن‌سازی در برابر تمدن به بحران رسیده غرب و نه فقط در سطح جهان اسلام که فراتر از جهان اسلام و در سطح سایر کشورهای جهان که از نظر آموزشی پیشرفته تلقی می‌شوند، دستاوردهای فکری و نظری دارد که قابل عرضه است و می‌تواند یک گام تعلیم و تربیت جهانی را رشد بدهد و ما باید به این سطح هم ببیندیشیم؛ یعنی توقعی که از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هست این است که باور داشته باشد این سازمان فقط متعلق به نظام جمهوری اسلامی و دولت نیست، متعلق به انقلاب و امت اسلامی است و خوشبختانه بسیاری از شما دوستان هم همین نگاه را دارید و با من هم عقیده‌اید که رسالت ما تا مرزهای جهانی است و باید بیشتر به این نگاه پردازیم. در پایان از این اعتمادی که به بنده شده تا در اینجا خدمتگزار این سازمان باشم خداوند را سپاسگزارم و تشکر می‌کنم از جناب آقای دکتر بطحایی که بستری فراهم کردند که خدمت شما باشم تا با افتخار در پیشگاه خدای متعال با تعهد و التزام به همان آیه شریفه‌ای که خواندیم به جلو حرکت کنیم. در واقع اجابت دعوتی است با خدای متعال و پیامبر اکرم برای احیای خودمان، احیای جامعه و توسعه آن نگاه زندگی‌ساز به عرصه تعلیم و تربیت.

و السلام علیکم ورحمتا... و برکاته



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رشاد:

خدا را سپاسگزارم که این توفیق را نصیب من کرد که در محضر جمع فرهیخته و با فضیلت فرهنگیان زحمت کش حضور پیدا کنم. میلاد حضرت زینب (ع) و روز پرستار را به یکایک شما تبریک عرض می‌کنم. البته مقام و مرتبه پرستار بسیار با ارزش است و پرستاران از جمله اقشار بسیار زحمت‌کش، مؤثر، مفید و خدوم هستند که کارشان در مشاغل و خدمات سخت طبقه بندی می‌شود. ما موظف هستیم که از این قشر زحمت‌کش قدردانی کنیم. ولی اگر روز میلاد مبارک حضرت زینب سلام... علیها را به معنای فرو کاستن صبر حضرت زینب (س) به نقش پرستاری در عرصه کربلا تعبیر کنیم، این چندان دقیق و مناسب نیست. نام‌گذاری این روز در تکریم از پرستار است اما نه در تعظیم از حضرت زینب (س). ما حضرت زینب را بعد از سیدالشهدا در جایگاه رهبری می‌بینیم. امام سجاد (ع) راهبری معنوی کاروان را برعهده داشتند اما در عمل حضرت زینب نقش راهبری اصلی و مدیریت را ایفا نمودند. چنین شأنی را همواره باید برای آن بزرگوار در برابر ستم‌هایی که به اهل بیت (ع) وارد شد لحاظ کنیم.

شما به حمدا... وزیر خوبی دارید، انسانی مقدس، متعهد، متواضع، دلسوز، مشفق و با پشتکار. این کلمات را از سر تصادف به زبان نیاوردم. او یکی

از افراد باصفا و بااخلاق و دلسوز نظام است و در جایگاه درستی قرار گرفته است. جمع ارزشمندی در این محضر حضور دارید. من می‌خواهم مختصری به فلسفه این سازمان اشاره کنم. باید چیزی محقق باشد تا از بالا به آن مشفقانه نظر افکنده و با تعقل سخن بگوئیم. معمولاً وقتی بحث از محتوای آنچه باید درونی شود و به نسل‌ها آموخت، این آیه را شاهد می‌آورند. «فلینظر الانسان الی طعامه»، انسان به طعامش باید بنگرد. از این آیه تفاسیر مختلفی شده و ممکن است بسیاری از اهل طب یا متخصصین تغذیه به این آیه تمسک کنند که بله، غذا خیلی مهم است، خیلی حساس است، خیلی تعیین‌کننده است و سوره عبس آیه ۲۴ توصیه می‌فرماید: «فلینظر الانسان الی طعامه». انسان باید به طعامش نظر کند؛ یعنی آنچه می‌خورد مفید است یا نیست؟ آیا تغذیه سالمی است؟ آیا تغذیه‌ای است که همه آن چیزی که انسان نیاز دارد و بدن محتاج آن است را داراست؟ این یک تفسیر طبی است. گاهی بحث یک تفسیر اخلاقی است، آیه می‌گوید: «فلینظر الانسان الی طعامه» انسان بدهکار خدا است. می‌دانید خدا چه فرایند پیچیده‌ای را برای اطعام انسان در هستی فراهم کرده است؟ آن لقمه‌ای که ما میل و مصرف می‌کنیم، چه فرایند پیچیده و شگفت‌انگیزی را طی کرده تا شده غذایی که ما مصرف کنیم. خدای متعال چه نعماتی را در این فرایند نصیب ما کرده است. خدا منعم است و شکر منعم بر ما واجب است. این یک نتیجه‌گیری اخلاقی و تفسیر اخلاقی است که انسان را متوجه



تکلیف شکرگزاری می‌کند. شکر منعم واجب است و احیاناً حمداً خلاق هم هست. بعضی آیه را تفسیر فقهی می‌کنند که: «فلینظر الانسان الى طعامه». انسان باید مراقب طعامش باشد. اینکه چیزی که می‌خورد حلال است یا حرام؟ مشروع هست؟ مال دیگری است؟ مباح است؟ از این منظر انسان باید توجه کند به اینکه شخصیت انسان تابع غذایی است که می‌خورد. از کجا می‌خوریم؟ نان چه کسی را مصرف می‌کنیم؟ از کجا تغذیه می‌شویم؟ یک ضرب‌المثلی است که می‌گوید: بگو از کجا می‌خوری تا بگویم چگونه فکر می‌کنی. نگاه درستی است. بگو که چه نوع غذایی و از دست چه کسی می‌خوری تا من بگویم چگونه فکر می‌کنی؛ یعنی همین غذایی که می‌خوریم به فکر و اندیشه تبدیل می‌شود. نقل قول است که آیت‌الله جوادی آملی در محضر حکیم و فقیهی بودند، آخرین میوه در ظرف مانده بود. ایشان تعارف فرمودند که شما بخورید. من عرض کردم که اگر این سیب را بنده بخورم، فرایند رشدش متوقف می‌شود و در وجود من تبدیل به فکر متعالی نمی‌شود پس شما بخورید که فرایند رشد سیب حرکت کرده و ادامه پیدا کند و به فکر برتر تبدیل شود. به هر حال این غذا تبدیل به فکر و عقیده می‌شود. پس غذا خیلی مهم است و قطعاً یکی از مشکلات و آسیب‌های ما در دنیای کنونی است. به همین منظور رئیس‌جمهور نیز به آن اشاره فرمودند و به ما تا جمعه فرصت داده‌اند به این سؤال جواب دهیم که: «چهل سال این نسل دست شما بود، چرا این‌طور بار آمدند؟».

مسائل جامعه‌شناختی و اجتماعی پیچیده‌اند و دارای علت‌های خطی نیستند. علت‌های گوناگونی دارند و چه بسا نتوان همه علل دخیل و مؤثر را بر شمرد، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی کرد و نقطه آغازی برای تعیین کرد. قطعاً آموزش و پرورش، شیوه‌ها، برنامه‌ها و محتوای برون‌دادی‌اش هم در این آسیب دخیل و مؤثر بوده و بی‌تقصیر نیست. اما در این قضیه خیلی عوامل دیگر هم هست که مغفول مانده‌اند؛ مثل اینکه مادر تا قبل از باروری و بعد از تولد نوزاد چه غذایی می‌خورد؟ پدر و مادر تا وقتی نطفه بچه بسته شد چه غذایی باید می‌خوردند؟ زمانی که این بچه جنین بود چه شیریه به او دادند؟ آن شیر از مال حلال بوده؟ پس از آن چه غذایی به بچه دادند؟ چه خوراکی دادند؟ همه اینها یعنی اینکه قبل از اینکه بچه دست آموزش و پرورش برسد، پدر و مادر وی چه کرده‌اند. در شرایطی که این مسائل رعایت نشده باشند، بسا دیگر آموزش و پرورش هم نتواند مؤثر باشد و کار از کار بگذرد. در حقیقت شاید شخصیت او شکل گرفته باشد. به هر حال مسئله حلال و حرام بودن خیلی مهم است. «فلینظر الانسان الی طعامه» یعنی حلال و حرام را خیلی مواظب باشید. گاهی تفسیر دیگری هم می‌کنند که در واقع این تفسیر فقهی است: «که فلینظر الانسان الی طعامه». شما بین چگونه این طعام فراهم می‌شود و پدید می‌آید. عالم پیچیده‌ای که حکایت نظم را پیچیده می‌کند و به این سادگی نیست. اگر تأمل کنیم می‌بینیم همین طعامی که پیش روی ما است چه سیری را



طی کرده است. عین آن روندی که در کل هستی هست که همواره در چرخهٔ حیات و ممات می‌چرخد و می‌شود از طعام پی به مبدأ برد. حتی از فرایند پدید آمدن طعام که انسان می‌خورد پی به معاد می‌توان برد و به آن ایمان آورد. همین عنصر جمادی که مصرف می‌کنیم، عنصر نباتی که مصرف می‌کنیم اینها در بدن ما زنده می‌شوند. آن بارانی که فرو می‌ریزد و سرزمین خشک را آباد و سبز می‌کند، سبزه‌ای که می‌روید، میوه‌ای که به بار می‌نشیند و به‌صورت غذا در می‌آید، اینها شاهد معاد است. معاد این شکلی است. همین خاک زنده می‌شود. فکر نکنید که خاک می‌شوید و بعد زنده نمی‌شوید. شما از این طعام می‌توانید به مبدأ و معاد پی ببرید. هم از آیات قبل و هم از آیات بعد از این آیه می‌توان این‌طور تفسیر کرد که



از فرایند پدید آمدن طعام که انسان می خورد باید پی به معاد برد و به آن ایمان آورد. به تعبیر طلبگی قضیه، در واقع براساس قاعده سیاق آیه را شما نمی توانید جدا از اطرافش تفسیر کنید. باید دستیاب معنی کنید؛ یعنی قبل از این آیه راجع به چه مسائلی بحث می شود و این آیه در این بستر مطرح می شود و باید در همین بستر هم تفسیر شود. این آیه می تواند آیه مربوط به معاد و مبدأ باشد. سریع معنی نکنیم که از نظر طبی، سلامت و بهداشت و غذا ... اینها چه ارزشی دارند. ولی وقتی تفسیر را فقهی بکنیم یا تفسیر اخلاقی کنیم عمیق تر از اینها می شود به آن نگاه کرد. فهم دیگری از آیه که شواهد روایی بیشتر بر آن دارد این است که: انسان به طعامش نگاه کند. «فلینظر الانسان الی طعامه». انسان به طعامش باید با دقت نگاه کند. این موضوع از منظر زبان و واژه های عربی بسیار گویا و هدفمند گوشزد شده است. واژه هایی که معنای نظر، نگاه، بصیرت و دیدن را می رساند در عربی بسیار هست. شاید قریب به ۱۰۰ واژه داریم که هر کدام دلالت خاصی دارند. ظاهراً مشترک اند ولیکن هر کدام به یک سمتی اشاره دارند. اگر اهل فن باشید پس می دانید عربی قطعاً دقیق ترین زبان بشر و پراستطاعت ترین و پر ظرفیت ترین زبان های دنیاست و قطعاً جز در آن، معجزه کلام الهی نمی توانست واقع شود که خدا در سخن و کلام و لفظ اعجاز کند. متأسفانه در ترجمه های فعلی قرآن این دقت ها نیست. در گذشته ها این دقت ها می شد. ترجمه های کهن قرآن به فارسی بسیار دقیق بود.



یک تحقیقی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی ارائه شده و دوستان گفتند: ما نشستیم تا ترجمه‌های کهن قرآن را تطبیق بدهیم چون آنها وقتی کلماتی مثل «بعد و عین» را معنی می‌کردند به یک معنا نمی‌گرفتند و فقط به معنای چشم و دیدن ترجمه نمی‌کردند. «بعد»؛ یک مفهوم جدا و «عین»؛ یک مفهوم دیگر دارد. ما باید می‌دیدیم دقیق‌ترین ترجمه از لحاظ قرآنی چه می‌شود و بر اثر دقت‌هایی که آن منابع در ترجمه داشتند این پروژه را انجام دادیم. واقعیت هم همین است؛ یعنی واژگان در قرآن هر کدام سنجیده و حساب شده به کار برده شده است. کلمه نظر با رؤیت تفاوت می‌کند و با بصیرت هم متفاوت است. لهذا باید ببینیم اینجا قرآن کریم چه چیزی را می‌خواهد القا کند. در احادیث آمده است که از امام حسن (ع) پرسیده شد، آقا بفرمائید معنی این آیه چیست. فرمودند: نظر یک معنای ظاهری دارد به معنی نگاه کردن با چشم، اما یک معنای باطنی به معنی مُدَاقَقه معنوی و عمیق دارد. طعام هم همین‌طور. طعام به معنای ظاهری کلمه به معنی خوردن است؛ یعنی به دیگران چیزی می‌دهیم و اسباب خوردن را در اختیارشان قرار می‌دهیم و میهمان ما می‌شوند. اما اینجا طعام به معنی علم است. چندین روایت هم هست که امام حسن مجتبی (ع) فرمودند الی طعامه یعنی علم. از امام صادق (ع) نیز یک روایت است می‌گویند: کیف لایتفکر فی مأکول؛ می‌گوید این لقمه را بخور. می‌گوید چیست و از چه درست شده، من را چاق نکند، چربی را اضافه نکند. مریض نشوم و بعد مسائل شرعی ...

می‌فرمود که من خیلی تعجب می‌کنم بعضی نسبت به ماکول خیلی دقت می‌کنند. در آنچه که باید بخورند خیلی دقت می‌کنند، خیلی فکر می‌کنند. برنامه‌ریزی می‌کنند امشب چی بخوریم. برویم بیرون غذا بخوریم و این حرف‌ها ... ولی از این نگاه به این آیه که: «کیف لایتفکر فی ماکول» یعنی چی فکر می‌کنیم، به چی معتقد شویم و آیا به هر چیزی باید معتقد بود. هر کسی هر چیزی گفت را باید پذیرفت و... غافلند از اینکه نوع فکر، شخصیت و هویت فرد را می‌سازد. امروز و فردای او و قیامت وی را می‌سازد. تعجب می‌کنم که چرا این قدر نسبت به این مقولات بی‌مبالات هستیم و دست کم با ماکولاتمان مقایسه نمی‌کنیم. همچنین روایتی از امام صادق (ع) هست که گفتند آقا در این عبارت «فلینظر الانسان الی طعامه»





طعام چی است فرمودند: «قال لیأکل اعمالهم» باید ببینید چه چیزی و از چه کسی دریافت می‌کنید و این تفسیر تربیتی آیه می‌شود. ششمین تفسیر هم تفسیر جامع می‌شود؛ یعنی قرآن منشوری از وجوه است و به همه اشاره می‌کند. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در حقیقت نقش «طعامه» در این آیه را دارد. شما که اینجا نشسته‌اید؛ اساتید محترم، نویسندگان، مؤلفان، ویراستاران و عوامل مدیریتی وزیر مکرم و جناب آقای ذوعلم شما دارید در واقع طعام نسل آتی را فراهم می‌کنید. باید مراقبت کنید. حلال و حرام را در نظر بگیرید. مطالب حرام و ناصواب را به بچه‌ها ندهید. همه ما مسلمان و معتقد هستیم اگر یک جایی احتیاطی کنیم و یک زاویه کوچک در عقیده آنها پیدا شود قیامت قطعاً باید جوابگو باشیم. ما باید هویت ملی‌مان را تقویت کنیم. فرهنگمان را منتقل کنیم. به نسل‌ها ادب و علم بیاموزیم و این همه از وظایف سازمان پژوهش است. در این جمع همه محترم و عزیز هستند. جناب آقای دکتر تورانی مرد بزرگواری است. آقای وزیر هم که کلماتشان صفا باران بود و خیلی زلال و راحت سخن گفتند. آقای محمدیان را که همه می‌شناسند. طلبه‌ای که در مسائل و معارف دینی فاضل هستند، در تفسیر خوب کار کرده‌اند و دانشگاهی و اهل ادب می‌باشند. ایشان علاوه بر اینکه آذری زبان هستند فارسی‌شان هم خیلی خوب است و اهل قلم و اهل ادبیات هستند. مدیران دیگری هم در این منصب بودند از جمله: مرحوم موسوی و مرحوم علاقمندان که خدا

رحمتشان کند. هردو ارزشمند و لایق بودند. امروز هم استاد دیگری با تصمیم‌گیری وزیر و موافقت جناب رئیس جمهور برای ریاست سازمان پژوهش تعیین گردید که از محققین محوری ما قلمداد می‌شوند و تا همین چند روز پیش ریاست پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی را برعهده داشتند. جناب آقای ذوعلم را همه شما بهتر از بنده می‌شناسید. استاد فاضلی است که هم دانشگاه و هم حوزه را دیده‌اند و هم پیشینه طولانی در آموزش و پرورش دارند. مدیریت اداره کل امور تربیتی اول انقلاب را نیز ایشان به عهده داشتند. فرهنگ کشور را خوب می‌شناسند. مسئول بخش فرهنگ برنامه و بودجه در یک دوره برنامه و توسعه بودند. ایشان در موضوع فرهنگ چند جلد کتاب دارند که عمدتاً نظرات و مطالب را از قرآن استخراج نموده و به لحاظ عقیدتی صاحب سبک و نظرند. بنده که مفصل آشنایی با این مسائل دارم به عنوان طلبه شهادت می‌دهم نظیر ایشان را در کشور کم داریم. ایشان یک شخصیت صاحب‌نظر در حوزه فرهنگ، مبانی فلسفه و معارف دینی با تجربه مدیریتی خارج از کشور هستند که در داخل کشور هم ۴۰ سال است در محور کارهای فرهنگی اند. به هر حال فضائشان بیش از این است که بنده بخواهم به زبان بیاورم. من به ایشان تبریک عرض می‌کنم و از آقای وزیر هم تشکر می‌کنم.

صلوات بر محمد و آل محمد



جناب آقای دکتر بطحایی وزیر آموزش و پرورش

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. انه خير ناصرين

یاد و خاطره همه شهدای انقلاب اسلامی را گرامی می‌دارم و به روح پرفروش بنیان‌گذار جمهوری اسلامی درود می‌فرستم. آرزوی سلامتی و تندرستی برای مقام معظم رهبری دارم و این روز بسیار خجسته را خدمت شما همکاران بزرگوار در سازمان پژوهش تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. تقارن این مناسبت و این روز خجسته را با این جلسه تکریم و معارفه به فال نیک می‌گیرم و امیدوار هستم که جناب آقای ذوعلم عزیز در سازمان پژوهش در ادامه مسیری که دوستان قبل تلاش کردند با شتاب بیشتر، منتج به رشد و تعالی نظام آموزش و پرورش کشورمان شوند.

در آغاز سپاسگزاری می‌کنم از ابراز لطف و محبتی که حضرت آقای رشاد نسبت به بنده فرمودند و صفاتی برای بنده برشمردند که البته برازنده آن همه صفات نبودم و اگر برخورداری از این صفات برای بنده قدری جایز و روا باشد به دلیل وجود و همکاری با نیروهای خدوم، متدین، دلسوز و متخصصینی چون شما عزیزان است که چنین صفاتی را در خود بسیار دارید. اگر ما مهم‌ترین مأموریت آموزش و پرورش را فراهم کردن امکانات و

شرایط برای یادگیری بچه‌ها تلقی کنیم، شما کارشناسان و مدیران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی معماران این یادگیری هستید. معمارانی که فرایند یادگیری و مفاهیمی که بچه‌ها باید بیاموزند و تمرین کنند را تعریف می‌کنید، حجم و چگالی این محتوا را تعیین کرده و روش آموزش محتوا را هم مشخص می‌فرمائید. بنابراین مهم‌ترین اجزای یادگیری در این سازمان و با دست با کفایت شما همکاران عزیز رقم می‌خورد و در قالب برنامه‌های آموزشی و پرورشی در مدارس به اجرا در می‌آید. اینکه بچه‌ها چه مفاهیمی را باید در دوران مدرسه تمرین کنند و بیاموزند. اینکه هریک از این مفاهیم را با کدام چگالی و با چه حجم و میزانی مورد تمرین و ممارست قرار بدهند و نحوه و روش این یادگیری چگونه باشد سه رکن اساسی است که صرف نظر از مدل‌های مختلفی که شما در مباحث آکادمیک برنامه‌ریزی درسی استادش هستید در این معماری یادگیری رقم می‌خورد و به اجرا در می‌آید. من در این چند دقیقه‌ای که فرصت برایم هست خواستم این سؤال را که جناب آقای ذوعلم خیلی مختصر در جلسه‌ای که با آقای رئیس‌جمهور داشتند و در این جلسه نیز مطرح کردند این طور عرض کنم که بچه‌های ما مفاهیمی که امروز در قالب برنامه درسی و آموزشی و پرورشی می‌آموزند آیا نباید دستخوش تغییر بشود؟ حجم و چگالی این محتوا آیا باید همین باشد؟ روشی که ما در مدارسمان در قالب برنامه‌های درسی داریم آیا باید این گونه باشد که الان هست؟ من داخل پرانتز یک



نکته‌ای را عرض کنم؛ چند روز پیش در جلسه‌ای آقای دکتر تورانی عزیز به من یادآوری می‌کردند که جامعه و افکار عمومی در درجهٔ اول و در درجهٔ بعد، خود ما سیاست‌گذاران آموزشی، همواره به ذات و ماهیت مفاهیم و چگالی و روش، بیش از آنچه که در عمل اجرا می‌شود توجه می‌کنیم. ایشان می‌گفت که شما به درستی مطرح می‌کنی که آیا این مطالبی که باید بچه‌های ما در کتاب ریاضی با این حجم و روش بخوانند درست است یا نه. ایشان می‌فرمودند که این سؤالاتی که شما مطرح می‌کنید سر جایش قبول و ما سیاست‌گذاران آموزشی و برنامه‌ریزان درسی باید قطعاً به آنها پاسخ بدهیم. اما آیا انصافاً همان چیزی که الان در برنامه‌های درسی ما طراحی و پیش‌بینی شده در حوزهٔ اجرا هم به همان نحوی که تعیین شده اجرا می‌شود؟! این یک سؤال اساسی است که ما نباید از آن غفلت کنیم. این سؤال و علامت سؤالی که جناب آقای دکتر تورانی عزیز در آن جلسه مطرح کردند باید بماند و به آن پاسخ دهیم. عرض بنده نفی نکته و ملاحظهٔ تیزبینانه جناب دکتر تورانی نیست. نکته‌ای که من در طی ماه‌های گذشته در جلسات مختلف که با موضوعات مختلف تشکیل شده مطرح کردم این موضوع است که: امروز نیاز فرزندان، بچه‌ها، دانش‌آموزان و نوجوانان ما آیا همان نیاز ۲۵ سال، ۲۰ سال و ۱۵ سال پیش است؟ به نظر می‌رسد فرزندانی که امروز در مدارس ما به عنوان دانش‌آموز در حال یادگیری برنامه‌های درسی ما هستند به نیازهای جدیدتری در زندگی

فردی و اجتماعی خودشان محتاج هستند که متأسفانه در سبب یادگیری تعیین شده ما لحاظ نشده‌اند. به عنوان فردی که همکاری با شما را از دهه ۶۰ آغاز کردم و در بسیاری از گروه‌های درسی به عنوان کارشناس در کنار شما درس آموختم باید این سؤال را به صورت جدی مطرح کنم: آیا وقت آن نیست که محتوای آموزشی ما تغییر کند و انطباق بیشتری با نیازهای فردی و اجتماعی بچه‌ها پیدا کند؟ نفی نمی‌کنم و خدای ناکرده نمی‌خواهم بگویم که ملاحظات بسیار دقیقی که شما برنامه‌ریزان درسی در حوزه کاری خود به آن توجه می‌کنید اثرگذار نیست، ولی به نظر می‌رسد به سبب تحولات بسیار سریعی که در بستر اجتماعی و جامعه شناختی همه کشورها و نیز ایران ما در حال اتفاق است، برنامه درسی ما باید به سمت انطباق هر چه بیشتر با نیازهای نسل جدید سوق پیدا کند. دوستان عزیز از زبان خود شما من بارها شنیده‌ام: فرایند برنامه‌ریزی درسی ما بسیار طولانی و کند است. بخشی از این کندی به جوهره و ماهیت برنامه درسی برمی‌گردد و چاره‌ای ندارد، اما به نظر می‌رسد بخشی از محتوای کنونی آموزش ما باید جای خودش را به آموزش مهارت‌های جدیدی بدهد که در بیرون از مدرسه، در محیط خانواده و در زندگی اجتماعی دانش‌آموزان کاربرد دارد. شاید خاطرتان باشد زمانی که دوره پیش دانشگاهی مرحله طراحی خودش را پشت سر می‌گذاشت فلسفه و علت وجودی و چیستی دوره پیش دانشگاهی آن بود که بچه‌ها مفاهیمی را بیاموزند که در دوره



آموزش عالی دیگر نیازی به آن پیش نیازها نداشته باشند در نتیجه اتفاقی که در کتاب‌های دوره پیش دانشگاهی آن وقت افتاد این بود که برخی از مفاهیمی که دانشجویان دوره کارشناسی در سال‌های اول و دومشان در دوره‌های کارشناسی باید طی می‌کردند در دوره پیش دانشگاهی می‌آموختند تا در دوره آموزش عالی از گذراندن آنها بی‌نیاز باشند. حتی این بحث مطرح بود که ۱۳۵ و ۱۳۶ واحد کارشناسی را به حدود ۱۲۰ و ۱۱۷ واحد کاهش بدهند تا بچه‌ها بتوانند سریع‌تر دوره کارشناسی را پشت سر بگذارند. ما در دوره پیش دانشگاهی عمده محتوایی که تألیف کردیم با این رویکرد و با این نگرش بود. متأسفانه علی‌رغم زحمات و هزینه‌های فراوانی که صورت گرفت عملاً در دانشگاه اتفاقی نیفتاد و این طرح اثری را نتوانست بگذارد. در حال حاضر به لطف زحمات و تلاش‌های بسیار طاقت‌فرسا و متعهدانه

شما، خوشبختانه کتاب‌های پایه ۱۲ هم نگاشته و چاپ شد. اذعان می‌دارم کارهای بسیار ارزشمند و خوبی انجام دادید. امروز دوازده سال دوره تحصیلی ما همه کتاب‌هایش تألیف جدید هستند یا به تعبیر شما ننگاشت‌اند. من یک بار دیگر برای چندمین بار سپاسگزاری می‌کنم از همه شما، از آقای تورانی عزیز، از جناب آقای امانی و همه شما عزیزانی که برنامه ویژه مدرسه را یعنی ۲ ساعتی که در پایه‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ طراحی کردید تا معلم و مدیر مدرسه اجازه داشته باشند متناسب با نیازهایی که در مدرسه و کلاس خودشان پیش‌بینی کرده‌اند برای آن تعیین محتوا کنند. این طرح امسال کلید خورده هرچند بالاخره یک کار جدید این‌چنینی در آغاز حتماً با کاستی و موانعی مواجه خواهد بود اما من امیدوارم که این موانع و این کاستی‌ها برطرف بشود و این ۲ ساعت بتواند جایگاه واقعی خودش را در نظام برنامه‌ریزی درسی ما پیدا کند. ان شاء الله از این دست طرح و اقدامات بیش از گذشته انجام بدهیم. نکته دیگری را من خیلی مختصر به استحضار می‌رسانم؛ در این روزها به تبع دستوری که دولت برای همه دستگاه‌های اجرایی صادر کرده ما در وزارت آموزش و پرورش یک اصلاحات ساختاری را شروع کردیم و گام اول این اصلاح ساختاری در حوزه ستادی است و به‌زودی در حوزه استانی و مناطق هم ورود پیدا خواهیم کرد. نکته‌ای را که من به دوستانی که دست‌اندرکار این اصلاح ساختار و مأموریت‌ها و وظایف هستند عرض کردم؛ اینجا هم به نظر می‌آید



لازم است مختصر خدمت شما و جناب آقای ذوعلم عزیز بگویم؛ اینکه: ما در این اصلاح ساختار باید تمام تلاشمان را انجام بدهیم که فعالیت‌هایی که در واحدهای مختلف وزارتخانه به شکلی موازی و تکراری اتفاق می‌افتد کاهش پیدا کند، البته شاید مخاطب اصلی این عرض بنده معاونت‌های آموزشی باشند. ما الان در حوزه معاونت‌های آموزشی سازمان پژوهش و وظایفی را برعهده داریم که این وظایف موازی است. این وظایف موازی چالش و تعارض‌های سازمانی ما را افزایش می‌دهند و سبب اتلاف توان و انرژی سازمان می‌شوند. بنابراین یکی از اولین مأموریت‌هایی که جناب آقای ذوعلم عزیز باید مورد عنایت و دقت قرار بدهند این است که فعالیت‌های موازی در سازمان حذف شوند. من این توصیه را به معاونت‌های آموزش ابتدایی، متوسطه و پرورشی هم داشتم که فعالیت‌های موازی واقعاً قیچی شوند. بخشی از معاونت‌های آموزشی ما تمرکز اصلی‌شان بر کنترل و هزینه کیفیت است و برایش آئین‌نامه و مقررات و ضوابط آموزشی تهیه می‌کنند در حالی که اینجا هم این کار اتفاق می‌افتد. در حوزه نیروی انسانی نیز، هم در اینجا و هم در مرکز نیروی انسانی ستاد کارهای موازی انجام می‌شود. ان شاء الله در طی این اصلاح ساختاری که در پیش رو داریم حذف فعالیت و اقدامات موازی مورد تصریح قرار گیرد. من در پایان عرایضم باید از همه تلاش‌ها و زحمات برادر عزیزم جناب آقای دکتر محمدیان که جایشان در اینجا خالی است صمیمانه سپاسگزاری کنم. در سال ۸۶ در مراسمی

که در همین سالن برای معارفه ایشان برگزار شده بود بنده چند دقیقه ای این افتخار را داشتم که صحبت کنم. زمان و عمر ما به سرعت در حال سپری شدن است. امسال یازده سال از آن روزی که بنده در پشت همین تریبون چند دقیقه‌ای در جلسه معارفه جناب آقای دکتر محمدیان صحبت کردم گذشته است. چشم به هم بگذاریم آقای ذوعلم را جرئت نمی‌کنم ولی خودم را عرض می‌کنم مراسم خداحافظی بنده هم خواهد آمد. صحبت‌های بسیار مفید و اثربخشی که حضرت آقای رشاد مطرح فرمودند را همه ما باید مرتباً جلوی چشممان داشته باشیم و نگرانیش باشیم. لحظات، دقائق، ساعت‌ها و روزها به سرعت می‌گذرند و جلسات تکریم و معارفه پشت سر هم در حال برگزاری است، من به لطف خدا امیدوارم روزی که جلسه خداحافظی‌ام می‌رسد، روزی باشد که وقتی پشت سرم را نگاه می‌کنم بتوانم بگویم که بالاخره به اندازه توان و مقدوراتی که داشتم توانستم گره و موانعی را در مسیر تعلیم و تربیت بچه‌های این کشور از میان بردارم و راه را هموارتر کنم. جناب آقای محمدیان عزیز در طی ده سالی که اینجا تلاش کردند در راستا و در استمرار فعالیت و زحماتی که دوستان قبل از ایشان سکان‌دار این مسیر مهم بودند تلاش‌های بسیار فراوان کشیدند. در زمان ایشان ارتباط و تعامل سازمان پژوهش با حوزه‌های علمیه و مجامع دانشگاهی بسیار رونق پیدا کرد. حساسیت‌هایی که به برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی وجود داشت خیلی کاهش پیدا کرد. و این همه به دلیل



فعالیت دلسوزانه و پشتکاری بود که جناب آقای محمدیان عزیز در طی ۱۰ سالی که در این سازمان مسئولیت ریاست را به عهده داشتند متحمل شدند و هوشمندانه این کار را جلو بردند. همچنین از برادر و دوست عزیز و بسیار دوست داشتنی جناب آقای دکتر تورانی صمیمانه سپاسگزارم. خدا را شکر می‌کنم که در طی این مدتی که سازمان با سرپرستی اداره می‌شد برادر عزیزم جناب آقای دکتر تورانی این وظیفه خطیر و پرمسئولیت را به عهده داشتند. دوران سرپرستی را دوستانی که تجربه کردند بهتر می‌دانند دوران سختی است. تصمیم‌گیری در دوران سرپرستی بسیار دشوار است. هر تصمیمی که می‌خواهید بگیرید با خود می‌گویید شاید فردا من نباشم اگر نبودم چه، اگر بودم چه و آن تصمیم را ممکن است نگیریم. ولی جناب آقای دکتر تورانی انصافاً در طی ۱۰ ماهی که مسئولیت سرپرستی سازمان را به عهده داشتند در تمامی جلسات کاملاً قرص و محکم همچون یک رئیس سازمان، مسئولیت حقوقی ریاست سازمان را برعهده می‌گرفت، اظهار نظر می‌کرد، توضیح می‌داد و مسئولیت‌ها را می‌پذیرفت. از این جهت من خدمت ایشان تبریک عرض می‌کنم که با عشق، علاقه و تعهد کاری‌اش به خوبی از عهده این شرایط سخت درآمد و صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم از ایامی که ایشان زحمت اداره سازمان را به عهده داشتند. جناب آقای ذوعلم هم که معرف حضور همه دوستان هستند و جناب آقای رشاد هم به شکل مبسوط اشاره فرمودند. وی از برادران بسیار

خوبی است که همه ما تجربه همکاری با ایشان را در خاطرمون داریم. من به یاد دارم زمانی که در شورای عالی آموزش و پرورش بودیم در جلسات مختلفی که خدمت ایشان می‌رسیدیم به عنوان یک کارشناس مسلط به کار از نظریات خود دفاع می‌کرد و بلافاصله پس از جمع‌بندی به سراغ موضوعات بعدی می‌رفت و این یکی از سجایا و محاسن اخلاقی ایشان بود که بنده در خاطرم مانده است. امیدوارم با همان خلق محمدی و روابط انسانی برجسته ای که در ایشان سراغ داریم و همچنین با داشتن تجاربی که سال‌ها در سمت مدیر کلی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی کسب نمودند و تخصص و اشرافی که بر موضوعات برنامه درسی دارند، بتوانیم با شتاب و جدیت بیشتری در راستای تحول نظام آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین قدم برداریم. از همه شما که وقت گذاشتید و در این جلسه شرکت کردید صمیمانه سپاسگزارم.

والسلام علیکم ورحمتا... وبرکاته